

عنوان مقاله:

طرحواره های حافظه نسلی از جنگ ایران و عراق

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات، دوره 18، شماره 40 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

محمد حیدرپورکلیدر - دانشجوی دکترای جامعه شناسی فرهنگی واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی تهران

منصور وثوقی - استاد و عضو هیئت علمی واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی تهران

باقر ساروخانی - استاد و عضو هیئت علمی واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی تهران

مصطفی ازکیا - استاد و عضو هیئت علمی واحد علوم و تحقیقات - دانشگاه آزاد اسلامی تهران

خلاصه مقاله:

پژوهش پیش رو در صدد واکاوی و پاسخ گویی به این سوال اساسی درآمده است که موانع عمده فرهنگی که در دوره پهلوی دوم سبب عدم دستیابی جامعه ایران به توسعه سیاسی گردید چه بوده است و مهم ترین آن ها کدام اند این پژوهش با الهام از رویکرد وبری در اهمیت فرهنگی و همچنین رویکرد نوسازی بازنگری شده اینگلهارت و با به کارگیری روش تحقیق تاریخی و اسنادی، با مراجعه به کتابخانه های حقیقی و مجازی و بررسی کتب و اسناد معتبر مرتبط با موضوع تحقیق از طریق فیش برداری به جمع آوری و تحلیل و فرا تحلیل اطلاعات تاریخی و پژوهش های جامعه شناسی مرتبط با موضوع تحقیق اقدام شده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که فرهنگ استبدادی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی حاکم وقت و مدیریت اقتدارگرایانه ی پهلوی دوم در نهادهای مختلف جامعه از مقوله جامعه مدنی و انحلال احزاب سیاسی و تشکل های اجتماعی و فرهنگی منتقد وابسته به طبقه متوسط و قطع جریان روشن فکری پوپا و آزاد به عنوان مهم ترین موانع فرهنگی توسعه سیاسی در آن دوره محسوب می شود و همچنین فقدان نگرش علمی و عقلانی، که روحیه پرسشگری و نقد در جامعه، سقف جامعه مدنی، مفضول قوی باورهای خرافی سنتی در متن جامعه، با فقدان فرهنگ گفتگو، نبود یک جریان روشن فکری اصیل، آزادی خواه ملی و فقدان مطبوعات منتقد و اعمال سانسور شدید و سایر مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، باعث ناکامی جامعه ایران در دستیابی به توسعه سیاسی در دوره پهلوی دوم گردید.

کلمات کلیدی:

موانع فرهنگی، توسعه سیاسی، فرهنگ استبدادی، نگرش علمی و عقلانی، رویکرد انتقادی و پرسشگرانه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/752640>

